

تاریخ‌نگاری در ایران

(از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول)

پروین ترکمنی آذر

www.ketab.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۲

سرشناسه: ترکمنی آذر، پروین، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ‌نگاری در ایران از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول / مولف پروین ترکمنی آذر.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۱۶۶ص.
شابک: 978-964-426-676-8
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: نمایه.
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: تاریخ‌نویسی -- ایران -- تاریخ -- پس از اسلام، ۱۲ق. - ۱۶ق.
شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ت ۴۲ / DSR۹۰/
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸-۷۳
شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۷۵۱۲۱



تاریخ‌نگاری در ایران

(از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول)

مولف: پروین ترکمنی آذر
ویراستار: فریبا کاظم‌نیا
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر رعفرانچی
ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع
نسخه‌پرداز: فرزانه صادقیان
آماده‌سازی: عرفان بهاردوست
حروف‌نگار و صفحه‌آرا: شهره خوری
طراح روی جلد: عین‌الله آزموده
اجرای جلد: عطالله کاویانی
چاپ اول: ۱۳۹۲
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: پردیس دانش
ردیف انتشار: ۹۲-۱۶

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-676-8

شابک ۸-۹۶۴-۴۲۶-۶۷۶-۹۷۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۲۱	فصل اول: پیشینه تاریخ‌نگاری ایران دوره اسلامی
۲۳	تاریخ‌نگاری در ایران باستان
۲۹	تاریخ‌نگاری اسلام
۳۱	حاصل سخن
۳۵	فصل دوم: مطالعه‌ای اجمالی در ماهیت تاریخ
۳۵	تاریخ چیست؟
۳۸	آیا تاریخ علم است؟
۴۱	رسالت، هدف، و فایده تاریخ
۴۸	مخاطبان تاریخ
۵۲	افعال و اخبار
۶۰	قانونمندی تاریخ
۶۲	سنت‌های الهی
۶۴	قواعد تاریخی
۶۷	حاصل سخن
۷۵	فصل سوم: منابع خبری
۷۶	«منابع» دیداری
۷۸	«منابع» شنیداری
۷۸	«منابع» مکتوب
۸۰	سایر «منابع»
۸۰	نقد و اعتبارسنجی اخبار و اسناد

۹۴	معیارهای سنجش اعتبار منابع تاریخی
۹۶	حاصل سخن
۱۰۱	فصل چهارم: تاریخ‌نگاری در ایران
۱۰۱	شاخصه‌های تاریخ‌نگاری در ایران
۱۰۱	پیوستگی در تاریخ
۱۰۴	انتظام و انسجام
۱۰۴	رعایت اختصار
۱۰۷	روش‌های تاریخ‌نگاری
۱۰۷	روش‌های گردآوری اطلاعات
۱۰۶	روش کتابخانه‌ای
۱۰۸	روش میدانی
۱۱۰	روش‌های ارائه مواد تاریخی
۱۱۰	روش حدیث‌نگاری
۱۱۶	روش ترکیبی
۱۱۶	طبقه‌بندی
۱۱۶	جدول
۱۱۶	روش‌های تدوین و تنظیم مواد تاریخی
۱۱۴	سالنامه نگاری
۱۱۴	موضوع محوری
۱۱۶	روش‌های نقل و تألیف مواد تاریخی
۱۱۴	روش توصیفی
۱۱۵	روش توصیفی-تعلیلی
۱۱۷	روش تطبیقی
۱۲۳	روش توصیفی-تحلیلی
۱۲۵	تاریخ انتقادی
۱۲۶	انصاف در تاریخ‌نگاری
۱۲۹	مصلحت اندیشی
۱۳۰	نقد وقایع تاریخی
۱۴۰	ارائه توصیه‌های عملی
۱۴۵	حاصل سخن
۱۵۳	کتابنامه

مقدمه

فرهنگ منظومه درهم پیچیده‌ای از دانش، تفکر، باور، و عملکرد گروهی انسان‌هایی با مشترکات عام است. بخشی از آثار فرهنگی هر جامعه، که دربردارنده میراث و هویت آن است، متونی است که با عنوان تاریخ شناخته می‌شود. از آنجاکه هریک از آثار فرهنگی برجای مانده از گذشته می‌تواند برگی از دفتر هویت جوامع بشری باشد، تاریخ نگاشته‌های ایرانیان نیز برای ایرانی امروز کارکردی هویت‌ساز دارد. بدین ترتیب، آگاهی از تاریخ و آشنایی با آن می‌تواند حس وابستگی و اتحاد را در میان افراد جامعه تحکیم و تقویت کند.

جوامع بشری تداوم دارند، هرچند این تداوم خطی و دارای رویکردی همسان نیست و فراز و فرود و تحول از خصایص ذاتی و ویژگی‌های بارز آن است، در جریان همین مسیر پیچیده، وقایع گذشته با حال و وقایع حال با آینده ارتباط مستقیم می‌یابد. وقایع گذشته بر زمان حال جامعه تأثیر می‌گذارد و مسلماً جامعه آینده نیز از وقایع حال تأثیر خواهد پذیرفت. در واقع، هر رویداد تاریخی بخشی از حرکتی کلی است که در زمان جریان دارد. بدین ترتیب، وظیفه تاریخ نشان دادن تداوم در جوامع بشری و زندگی بشر است و تاریخ‌نگاری نیز در جست‌وجوی سرنوشت جمعی انسان‌ها در بستر زمان و در قالب اثری فرهنگی نمودار می‌شود.

بررسی تاریخ‌نگاری ایران دوره اسلامی تلاشی است برای ایجاد پیوند میان گسست‌های تاریخ ایران، تا ایرانی تاریخ خود را یکپارچه و پیوسته ببیند. بازیابی هویت فرهنگی ایران مدیون تلاش گروه‌های بسیاری از جامعه ایران است و حکومتگران ایرانی سهم مهمی در این زمینه داشتند. آنان افرادی برخاسته از جامعه ایرانی بودند و سعی داشتند نسب خود را با پادشاهان ساسانی پیوند دهند تا یکپارچگی سیاسی در جامعه ایران را القا کنند. همچنین، آنان با اهمیت دادن به فرهنگ ایران باستان برای احیای آن، و در اصل احیای غرور ملی تحقیرشده ایرانیان، کوشیدند. در این باره خدمات یعقوب لیث صفاری، سامانیان، و آل بویه را نباید فراموش کرد. همچنین، ایرانیان اهل قلم اغلب با ورود به مناصب وزارت و دبیری، به‌خصوص در دوره حکومت ترکان، برای دست‌یافتن به این مهم، تلاش‌های ارزنده‌ای کردند. بازگشت به سنت

تاریخ‌نویسی ایرانی، اندرز «نامه»‌ها، خدای «نامه»‌ها، و کار «نامه»‌ها، محصول تلاش‌هایی بود که در طول شش قرن نخست اسلامی، به‌رغم تسلط عرب‌ها و ترکان بیگانه بر ایران، انجام گرفت، تا تداوم فرهنگی گسست‌های سیاسی را جبران کند.

این پژوهش تلاشی است برای نشان‌دادن خدمات گروهی از فرهیختگان، مورخان ایرانی، برای احیا و اعتلای هویت ایران و ایرانی. این نوشته بر آن است بخشی از میراث گذشتگان را واکاود و امید است با تأمل و تعمق در میراث فرهنگی این سرزمین، که قدمتی چند هزارساله دارد، بتواند به نتایجی منطبق با جامعه ایرانی-اسلامی دست یابد. شاید آرای برآمده از عمق همین جامعه، ما را به دانسته‌هایی راه نماید که راهگشای بسیاری از مشکلات و مسائل جامعه و ملت ایران شود و آغازی باشد برای تحقیق اندیشمندانی که به ایران، اسلام، و ایرانی وفادارند.

تحقیق حاضر در نظر دارد تاریخ‌نگاری مورخان ایرانی را در شش قرن نخست اسلامی بررسی کند. بینش و نگرش آنان را در تأثیرپذیری از میراث فرهنگی ایران و دستاوردهای اسلامی ارزیابی کند؛ لذا ایرانی‌بودن مورخان، از شاخصه‌های اصلی گزینش آنان است. ایرانی‌بودن مورخان نه با جست‌وجو در اصل و نسب و اصالت آنان، که با توجه به زیستگاه‌شان تعریف شده است. مورخانی که اصالت ایرانی داشتند یا غیرایرانیانی که در ایران به دنیا آمده و زیسته بودند و بر اثر اقامت طولانی مدت نیاکانشان در این منطقه، در فرهنگ ایرانی مستحیل شده بودند، ایرانی شناخته می‌شوند. همچنین، مورخانی که ایرانیان و ایران‌زمین را ارج می‌نهادند و آثارشان به تاریخ‌نوشته‌های ایرانیان شبیه‌تر است، ایرانی دانسته می‌شوند؛ عتبی، مقدسی، و مسعودی از آن جمله‌اند. البته محدوده ایران با توجه به زمان زیست هر یک از مورخان در نظر گرفته شده است. از جمله آن که هرچند، گردیز امروزه جزء قلمرو ایران نیست، نمی‌توان گردیزی، مؤلف زین‌الآخبار، را ایرانی ندانست؛ یا با آن که مسعودی متولد بغداد، یا به گفته‌ای بابل، است مورخی ایرانی برشمرده شده است؛ زیرا، در آثار تاریخی‌اش نشان داده که به ایران و تاریخ ایران بیش از هر سرزمین دیگری علاقه‌مند است.

هدف از این تحقیق دست‌یافتن به میراث فکری و فرهنگی تاریخ‌نگاری ایرانیان در شش قرن نخست اسلامی است، لذا از تعمیم نظریات تاریخ‌نگاری و تاریخ‌پژوهی جدید به دوره مورد بحث پرهیز شده است. تاریخ‌نوشته‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد که مورخان ایرانی در قرون سوم و چهارم به نکاتی در زمینه علم تاریخ و کاربرد، قلمرو، و اهداف آن اشاره کرده‌اند که متأسفانه امروزه محققان آن مباحث را از زبان فوکو، دلتای، ویکو، کالینگوود، و دیگران مطرح و به آنها استناد می‌کنند. امروزه بیشتر محققان تاریخ نظریه‌های اروپاییان چند قرن اخیر را در

تفسیر و بازآفرینی گذشته ایران به کار می‌گیرند، و بی آن‌که برای بومی‌سازی آنها تلاشی کنند، می‌کوشند نظریات ارائه‌شده را، که حاصل تجربه مردمانی با خصوصیات تاریخی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و اندیشه و باورهای متفاوت با ایرانیان است، به تاریخ این سرزمین تعمیم دهند. نتیجه چنین نگرشی بعضاً برداشت‌ها و تحلیل‌هایی دور از واقعیت است. بر همین اساس، نگارنده کوشیده است مستندات اصلی را به متون دوره مورد بحث ارجاع دهد. به بیان دیگر، صاحب این قلم در صدد است تاریخ‌نگاری ایران دوره اسلامی را با استناد به نگاه‌های مورخان همان دوره، و لااقل نه آن‌که نظریات ارائه‌شده در چهارچوب مطالعاتی اروپاییان را به نوشته‌های تاریخی ایرانیان چند قرن نخست اسلامی تعمیم دهد.

هم‌چنین، نگارنده بر آن است تا تأثیرپذیری تاریخ‌نگاری ایرانیان در دوره اسلامی را از میراث فرهنگی و «نامه»‌های تاریخی پیش از اسلام جست‌وجو کند و نشان دهد که ایرانیان در روش تاریخ‌نگاری علاوه بر بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی از سنن زیر تأثیر پذیرفته‌اند: سابقه و سنت سالنامه‌نویسی، تک‌نگاری زندگی‌نامه پادشاهان، خدای‌نامه‌ها، که تاریخ را با تاریخ آفرینش آغاز می‌کردند و به پیوستگی و تداوم تاریخ در زمان معتقد بودند و روش‌های انتقادی اندرزنامه‌ها که توصیه‌هایی در ملک‌داری ارائه می‌کردند.

بدین ترتیب، روشن می‌شود که علت گرایش مورخان دوره اسلامی ایران به تاریخ‌نگاری سیاسی نیز ریشه در تاریخ‌نویسته‌های پیش از اسلام دارد که معطوف به «نامه»‌های سیاسی بوده است. در ضمن مورخان ایرانی این دوره با استفاده از میراث گذشتگان، تاریخ را فقط در گزارش اخبار و رویدادها خلاصه نکردند، آنان قسمتی از نوشته‌های خود را به نقد روزگار خود یا روزگاران گذشته اختصاص دادند تا ضعف‌های مدیریتی طبقه حاکمه و علل آن را گوشزد کنند؛ هم‌چنین، آنان در گزارش ضعف‌ها و علل آن توصیه‌هایی را برای بهبود اوضاع و اصلاح خرابی‌ها و نقص‌ها ارائه کردند. آنان مخاطبان اصلی تاریخ را پادشاهان می‌دانستند از این‌رو، با نقد اوضاع مملکت و ارائه توصیه‌هایی، برای پیشرفت و بهبود اوضاع تلاش می‌کردند. این تفکر که اصلاح طبقه حاکمه و تعلیم پادشاهان و راهنمایی آنان برای اتخاذ تدبیر صحیح ملک‌داری می‌تواند جامعه را در مسیری درست به حرکت اندازه سابقه در ایران باستان داشت و در دوران اسلامی نیز ایرانیان این اندیشه را پی گرفتند. این پژوهش بر آن است تا روشن سازد که ایرانیان چه داشته‌اند؟ آیا امانتداران خوبی برای داشته‌های سرزمین خود بوده‌اند؟ و اگر نبودند، اکنون با آگاهی از این داشته‌ها چگونه می‌توانند آنها را به دیگران منتقل کنند و خود را به آنان بشناسانند و از داشته‌هایشان در بهبود اوضاع جامعه اسلامی- ایرانی و اعتلای آن سود جویند؟

پیشینه تحقیق

تاریخ‌نگاری ایرانیان غالباً ذیل مجموعه تحقیقات و مطالعات تاریخ‌نگاری اسلامی و در قالب کتاب، مقاله، و کنفرانس‌هایی با موضوع تاریخ‌نگاری در ایران و اسلام بررسی شده است.

۱. کتاب‌های تحقیقی

دسته نخست، تحقیقاتی با موضوع تاریخ‌نگاری ایران و اسلام است، که در پی به آنها اشاره می‌شود. تاریخ در ترازو تألیف عبدالحسین زرین‌کوب^۱ تحقیقی درباره تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری است و شامل مطالبی در زمینه فایده تاریخ، تاریخ و اسطوره، سنت‌های تاریخ‌نویسی، تاریخ‌نویسی در یونان و روم و اروپا، بازجویی و بازآفرینی، تاریخ و شناخت، نقد و ارزیابی، جست‌وجوهای نو در اندیشه تاریخ‌نگاری، افق‌های ناکجاآباد، و کارنامه تاریخ است که در تحقیق حاضر از مطالب تاریخ و اسطوره، فایده تاریخ، و سنت‌های تاریخ‌نویسی استفاده شده است.

تاریخ‌نگاری در ایران شامل مقالاتی از چند نویسنده درباره تاریخ و تاریخ‌نگاری است که یعقوب آژند گردآوری کرده است. شماری از مقالات این مجموعه بدین قرار است: «تطور تاریخ‌نگاری در اسلام»^۲ «ادبیات جغرافی‌نگاری و تاریخ‌نگاری در اسلام»^۳ «مکتب تاریخ‌نگاری عراق در قرن سوم هجری»^۴ «پیدایش و گسترش تاریخ‌نگاری اسلامی در سوریه»^۵ «پیدایش و گسترش تاریخ‌نگاری در اسپانیا»^۶ «تاریخ‌نگاری اسلامی از قرن ششم تا هفتم»^۷ «مکتب تاریخ‌نگاری اسلامی در ایران»^۸ «ادبیات شرح حال‌نویسی در اسلام»^۹ «بهره‌گیری از منابع غیر اسلامی در تاریخ‌نگاری»^{۱۰} «تاریخ‌نگاری مورخین شوروی درباره سرزمین‌های شرقی اسلامی»^{۱۱} و «تاریخ‌نگاری نوین در اسلام»^{۱۲}.

اثر جولی اسکات میثمی (Julie Scott Meisami) با عنوان *Persian Historiography* یا تاریخ‌نگاری فارسی^{۱۳} تحقیقی درباره منابع تاریخی فارسی از میانه قرن چهارم تا حمله مغول، در قرن هفتم هجری، است. مؤلف ضمن ارائه مطالبی مختصر درباره وضع سیاسی دوره‌های تاریخی سامانیان، غزنویان، و سلجوقیان، تحولات ادبی دوره‌های تاریخی را بر اساس منابع تاریخی آن دوره بررسی کرده است. نویسنده در معرفی هر یک از منابع تاریخی، ابتدا درباره مؤلف، تاریخ تألیف، و موضوعات کتاب اطلاعاتی داده و سپس علت توجه مورخان ایرانی را به وقایع خاص و بی‌توجهی به دیگر وقایع را بیان کرده و هدف از تاریخ‌نگاری مورخ را شرح داده است. در ضمن، نویسنده کوشیده است صحت و سقم وقایع گزارش‌شده را با مطالعه تطبیقی به دست آورد. زبان، سبک‌شناسی، و روش‌های سنتی به کار گرفته‌شده مورخان مطالعه اصلی این تحقیق است. این کتاب به زبان انگلیسی است و هنوز به فارسی برگردانده نشده است. در مقایسه

میان اثر میثمی و تحقیق حاضر باید گفت که تحقیق حاضر به منابع تاریخی، اعم از فارسی و عربی، که ایرانیان نوشته‌اند پرداخته است و زیرساخت، اهداف، و رویکرد متفاوتی دارد.

تاریخ‌نگاری در «اسلام»^{۱۵} تألیف صادق سجادی و هادی عالم‌زاده به تعریف تاریخ؛ انگیزه‌ها، اهداف، و فواید؛ منشأ؛ روش‌ها و مکاتب؛ و انواع تاریخ‌نگاری اسلامی و نیز شیوه‌های تدوین در تاریخ‌نگاری اسلامی و سیر تاریخ‌نگاری در سرزمین‌های اسلامی پرداخته است. مؤلفان در این فصول به تاریخ‌نگاری ایران و مورخان ایرانی مختصر اشاره‌ای کرده‌اند که شامل میراث تاریخ‌نگاری ایرانیان از دوره باستان و معطوف به تاریخ‌های نوشته‌شده به زبان فارسی است.

مجموعه مقالات دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی را حسن حضرتی گردآوری کرده است.^{۱۶} مقاله «مکتب تاریخی قرآن» نوشته عزت‌الله رادمنش؛ «تاریخ، مورخ، نظریه، طرح مقدماتی یک دیدگاه» اثر محمدعلی اکبری؛ «جایگاه علم تاریخ در اسلام» نوشته محمدحسین جمشیدی؛ «امکان و اعتبار شناخت تاریخی» اثر آر. اف. اتکینسون (R. F. Atkinson)؛ «گفتمان انتقادی در تاریخ‌نگاری مسعودی» نوشته روح‌الله بهرامی؛ و «مکتب تاریخ‌نگاری عراق، پیدایش و تحول» اثر عبدالعزیز الدوری در شمار مقالات این مجموعه است که مطالبی درباره موضوع مورد بحث دارد.

فرانتس روزنتال (Franz Rosenthal) هدف از تألیف تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام^{۱۷} را نشان‌دادن سیر تحول مفهوم تاریخ نزد تاریخ‌نویسان اسلامی و توصیف منشأ رشد و انحطاط صور ادبی در ارائه مواد تاریخی بیان کرده است. کتاب ترجمه چهار اثر از کافیجی، سخاوی، تاش‌کوپری‌زاده، و ایجی است و دیدگاه این نویسندگان را درباره تعریف تاریخ، اشکال اصلی و فرعی تاریخ‌نگاری، محتویات کتاب‌های تاریخی، تعامل تاریخ با دیگر علوم، اشکال نوشته‌های تاریخی، صور هنری هر تاریخ، و ارزیابی تاریخ‌نگاری بررسی کرده است.

چیس اف رابینسن (Chase F. Robinson) در بخش نخست تاریخ‌نگاری اسلامی^{۱۸} به خاستگاه، پیدایش، پیامد، و الگوهای سه نوع تاریخ‌نگاری پرداخته و در بخش دوم درباره تاریخ‌نگاری و سنت حدیثی، تاریخ‌نگاری و جامعه، خدا و الگوهای تاریخ، مورخان و حقیقت، و نوشتن تاریخ بحث کرده است. به نظر می‌رسد نویسنده شناخت کاملی از میراث‌های فرهنگی در قلمرو سرزمین‌های اسلامی نداشته و تاریخ‌نگاری فارسی را متأثر از سنت تاریخ‌نگاری عربی دانسته است؛ و مراد از سنت تاریخ‌نگاری عربی را سنت‌های به‌کاررفته در توارخی می‌خواند که به زبان عربی نوشته شده‌اند! مؤلف از سنت‌های تاریخ‌نگاری در اسلام به «گونه‌های تاریخ‌نگاری» تعبیر کرده و برای سیره‌نویسی، طبقات، و تاریخ به ترتیب معادل‌های زیست‌نگاری، نام‌نگاری، و زمان‌نگاری را به کار برده داده است، در حالی که اصطلاحات ابداعی فراگیر و جامع نیستند.

مسلمانان و نگارش تاریخ تألیف عبدالعلیم عبدالرحمن خضر^{۱۹} کلیتی است درباره مفهوم علمی تاریخ و پیوند آن با علوم اجتماعی، روش پژوهش در تاریخ، و اهمیت بررسی تاریخ. نویسنده این اثر در زمینه روش‌های پژوهش تاریخ به نشانه‌های روش علمی نگارش تاریخ از نظر ابن‌خلدون، شیوه‌های پژوهش تاریخی در نزد مسلمانان، و رویکردهای نوین در پژوهش‌های تاریخی توجه کرده است. در واقع، نویسنده بر تاریخ‌نگاری مسلمانان تأکید کرده و هدف خود را اثبات وجود تاریخ در اندیشه اسلامی بیان کرده است. بررسی تاریخ‌نگاری طبری و مسعودی موضوع مشترک تحقیق حاضر و اثر خضر است.

دسته‌ای دیگر از کتاب‌های تحقیقی درباره دانش و فلسفه تاریخ است، آثاری که در پی معرفی شده است از آن جمله‌اند. کتاب علم تاریخ در اسلام تألیف صادق آیینه‌وند^{۲۰} شامل دو دفتر با موضوعاتی درباره تعریف تاریخ، پیدایش علم تاریخ به روایت مورخان اسلامی، فواید تاریخ، مورخان اسلامی، و ترجمه قسمتی از کتاب شاکر مصطفی با عنوان *التاریخ العربی و المورخون* است. این کتاب در ویواست دوم با عنوان علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی^{۲۱} با مطالبی بیشتر و موضوعاتی گسترده‌تر، در دو مجلد به چاپ رسیده است. مجلد اول شامل بخش‌هایی درباره تعریف تاریخ و فایده آن، اسلامیت علم تاریخ و اسباب پیدایش آن در اسلام، شعبه‌ها و شاخه‌های علم تاریخ در اسلام، دانش‌های کمک‌کننده در تاریخ‌نگاری اسلامی، مکتب‌های تاریخ‌نگاری در اسلام، اصول تاریخ‌نگاری، و قواعد نقد تاریخ در اسلام است. در مجلد دوم به مورخان فارسی‌نویس و مورخان عربی‌نویس در دو بخش پرداخته شده است. از آنجاکه موضوع این کتاب تاریخ‌نگاری در اسلام است، فقط بخش‌هایی از آن با تحقیق حاضر همخوانی دارد، و در موضوع و زیر ساخت با آن متفاوت است. مؤلف در بخش مربوط به مکتب‌های تاریخی در اسلام، به خصایص مکتب ایران (فارس) اشاره‌ای کرده و درباره سران و مؤسسان این مکتب و آثار ایرانیان باستان در زمینه تاریخ و ترجمه مطالب مختصری آورده است.

رابین جورج کالینگود (Robin George Collingwood) در مفهوم کلی تاریخ به فلسفه تاریخ، ماهیت، موضوع، روش، و ارزش تاریخ پرداخته است.^{۲۲} از فصل پنجم این کتاب، که شامل مباحثی درباره تخیل و مدرک تاریخی، تاریخ یا بازآفرینی تجربه گذشته، و بن‌مایه تاریخ است، در تحقیق حاضر استفاده شده است.

فلسفه تاریخ مجموعه سخنرانی‌های مرتضی مطهری درباره فلسفه تاریخ است؛^{۲۳} از مباحث تاریخ و علم این کتاب در بحث نظری تحقیق حاضر استفاده شده است. از کتاب تاریخ چیست؟ اثر ای. اچ. کار^{۲۴} فصول مورخ و واقعیت‌تی که در اختیار دارد، و تاریخ،

علم، و اخلاق در این پژوهش استفاده شده است. هم‌چنین، فصولی از کتاب مبانی علم تاریخ اثر حسین مفتخری^{۲۵} با موضوعات تعاریف و مفاهیم، کلیات فلسفه نظری تاریخ، کلیات فلسفه علم تاریخ، علمیت تاریخ، معرفت‌شناسی تاریخی، روش‌شناسی تاریخی، تبیین در تاریخ، علیت و پیش‌بینی در تاریخ در تدوین مباحث نظری تحقیق حاضر مؤثر بود.

عبدالقادر خلیل سعید در *منهج البحث التاريخي*^{۲۶} علم تاریخ و مفهوم آن، اهمیت تاریخ، علوم جانبی مورد استفاده تاریخ، سهم عرب‌ها در علم تاریخ، تفسیر لفظ خبر و تاریخ، و مباحث اساسی تاریخی در نزد مسلمانان را بررسی کرده است.

تزئیف التاریخ تألیف سمیر عبده^{۲۷} درستی و تحریف تاریخ، دقت در تاریخ، و اسطوره و حقیقت در تاریخ را بررسی کرده است.

حسن عثمان در *منهج البحث التاريخي*^{۲۸} به معنای تاریخ، تاریخ علم است یا فن؟، صفات مورخ، ارزش کتاب‌های تاریخی، اثبات حقایق تاریخی، قواعد کلی در ترکیب تاریخی، و تنظیم حقایق تاریخی پرداخته است.

مصطفی شاکر در کتاب *التاریخ النبوی و المورخون*^{۲۹}، با بررسی تاریخ‌نگاری دورهٔ ترکان، مغولان، ممالیک، و عثمانی به بحث دربارهٔ تکوین علم تاریخ در اسلام، شروع تدوین تاریخی، مراحل تدوین، ظهور مورخان بزرگ، و تاریخ اسلامی مشرق خلافت عباسی پرداخته است. بخش‌هایی از این کتاب را آئینه‌وند در کتاب *علم تاریخ در اسلام آورده است*؛ هم‌چنین، مهران اسماعیلی قسمتی‌هایی از آن را با عنوان «تکوین تاریخ‌نگاری اسلامی»^{۳۰} ترجمه کرده که در مجموعه مقالات دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی به چاپ رسیده است.

کتاب *التاریخ فکرة و منهج* تألیف عبدالله فیاض^{۳۱} به تعریف تاریخ، تدوین تاریخ در نزد مسلمانان، طریقهٔ بحث تاریخی، و نقد داخلی و خارجی توجه کرده است.

کتاب *الطبری: السيرة و التاريخ* تألیف الغراوی^{۳۲} به تطور تاریخ‌نگاری در عصر طبری و بعد از او توجه کرده است.

کتاب *منهج المسعودی فی کتابه التاريخ* اثر سلیمان بن عبدالله المدید السویکت^{۳۳} دربارهٔ سیمای فرهنگی و سیاسی عصر مسعودی و ویژگی‌های روش تاریخی اوست.

۲. مقالات

مقالات متعدد و مطالعات موردی بسیاری نیز دربارهٔ تاریخ‌نگاری برخی از مورخان ایرانی انجام

شده است. هرچند بسیاری از آنها محدود به کتاب‌شناسی و تکرار آرای مصححان و مترجمان کتاب‌های تاریخی است، تعدادی نیز از غنای علمی خوبی در چهارچوب و ساختار علمی، پژوهشی، و تحلیلی برخوردار است. شماری از این مقالات در زیر می‌آید.

۲.۱. مقالاتی با موضوع علم تاریخ

مقاله «مضامین عمده در فلسفه تاریخ» اثر مایکل استنفورد (Michael Stanford)^{۳۳}، بحثی درباره اجزا و عناصر اصلی فلسفه تاریخ است و به الگوها و ساختارهای تاریخ، حقیقت یا صدق، فرایندهای اجتماعی، غایت‌شناسی، و عینیت در تاریخ توجه کرده است.

مقاله «حقیقت در تاریخ» اثر ویلیام دانینگ (William A. Dunning)^{۳۵} مباحثی در فلسفه تاریخ و در ماهیت تاریخ پژوهی است. توالی زمانی رویدادها و رابطه علی از جمله مطالب مورد بحث نویسنده است. علی‌حقی در «آیا تاریخ می‌تواند علم باشد؟»^{۳۶} آرای فلاسفه و اندیشمندان یونانی و ایرانی را درباره ماهیت تاریخ بازگو کرده است.

مقاله «آیا تاریخ علم است» نوشته تره‌کی^{۳۷} در بررسی اصل تجربه و تکرار، که از ویژگی‌های علم‌اند، و تعمیم آن به تاریخ به این نتیجه می‌رسد: «تاریخ زیاده‌تر از علم فن است».^{۳۸} تره‌کی مقاله دیگری را با همین عنوان از هابری هوسه ترجمه و چاپ کرد^{۳۹} که به مقایسه تاریخ و جامعه‌شناسی نظر دارد و درباره این که تاریخ می‌تواند قانون‌گذاری کند، سخن می‌گوید.

مقاله‌ای الکترونیکی از انجمن فرهنگی محصلان و لایت غزنی، به قلم عبدالوهاب آزاد، با عنوان «علم چیست؟ آیا تاریخ هم علم است»^{۴۰} مطالبی تکراری در زمینه علم بودن تاریخ مطرح کرده است و سخن جدیدی ندارد.

۲.۲. مقالاتی با موضوع تاریخ‌نگاری اسلامی

مقاله «تنوع برونی و درونی تاریخ‌نگاری اسلامی» نوشته حسین فلاح‌زاده^{۴۱} تنوع درونی تاریخ‌نگاری اسلامی را در سه مقوله: تنوع منابع و مأخذ، سبک و روش مورخ، و درون‌مایه هر مورخ و تنوع برونی آن را در چهار مقوله: شکل کلی آثار، حجم آثار، تفکیک مباحث تواریخ عمومی، و شیوه پایان‌بندی مباحث بررسی کرده است.

مقاله «نقش روایت و حدیث در تاریخ‌نگاری مسلمانان»، اثر مشترک مرتضی نورائی و حسینعلی نوذری، از تلاش علمی مسلمانان در ابلاغ تعالیم قرآن و سخنان پیامبر اسلام و صحابه ایشان سخن می‌گوید و ضمن برشمردن شرایط حمل حدیث و روایت، حدیث را خمیرمایه

تاریخ‌نگاری مسلمانان معرفی می‌کند. این مقاله در اردیبهشت ۱۳۸۳ در نشست تخصصی تاریخ شفاهی در دانشگاه اصفهان ارائه شده است.^{۴۲}

صادق سجادی در مقاله «تاریخ‌نگاری در قلمرو اسلام» انگیزه‌ها، اهداف، فوائد، روش‌ها، و مکاتب تاریخ‌نگاری را بررسی کرده است.^{۴۳}

مقاله «نقد تاریخی در آثار تاریخ‌نگاران مسلمان» تألیف حسن حسین‌زاده شانه‌چی به نقد ظاهری و باطنی و جلوه‌های آن دو در تاریخ‌نگاری اسلامی پرداخته است.^{۴۴}

۲.۳. مقالاتی با موضوع تاریخ‌نگاری ایرانیان

جمال موسوی در مقاله «تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی بر تاریخ‌نگاری اسلامی» میزان تأثیرپذیری تاریخ‌نگاری ایران دوره اسلامی از تاریخ‌نگاری ایران پیش از اسلام را بررسی کرده است.^{۴۵}

باسورث در مقاله «سهم ایرانیان در تاریخ‌نگاری اسلامی پیش از حمله مغول»^{۴۶} ضمن آن‌که تاریخ‌نگاری ایران پیش از اسلام را شفاهی و حماسی و فاقد تاریخ حقیقی می‌خواند، منابع تاریخی نوشته‌شده ایرانیان را در دو بخش تاریخ کلان (تاریخ‌های عمومی و ادواری) و تاریخ خرد (تاریخ‌های محلی و شهرها) بررسی و رویکرد هر یک را ذکر می‌کند و توضیحی درباره آنها می‌دهد.

مقاله «شکل‌گیری تاریخ‌نگاری ملی در ایران طی قرن‌های سوم و چهارم (نهم و دهم میلادی)» اثر لقمان بایمت‌اف^{۴۷} درباره علل به وجود آمدن تاریخ‌نگاری ایرانی به شش مقوله وجود آثار و اخبار تاریخی ایرانیان پیش از اسلام، زمینه اسلامی، نهضت شعوبیه، دستاوردهای مردم ایران در علوم گوناگون که با علم تاریخ‌نگاری پیوند داشت، و سیاست داخلی و خارجی دولت سامانیان توجه کرده است.

محسن ذاکری در مقاله «از دو قرن سکوت تا بامداد اسلام، نگاهی جدید بر اولین نوشته‌های تاریخ ایران اسلامی» مدعی است تاریخ‌نگاری ایران در قرون اولیه اسلامی از انگیزه‌های ایدئولوژیک نویسندگان آسیب دیده است. نویسنده مطالعات خود را با تأکید بر دو کتاب دو قرن سکوت و بامداد اسلام اثر زرین کوب انجام داده است و در نهایت این سؤال را مطرح می‌کند که در این موقعیت چگونه می‌توان تاریخ ملی اصیل و صحیحی از قرون اولیه ایران اسلامی نوشت.

مقاله «تاریخ‌نگاری در ایران»،^{۴۸} از دایرةالمعارف ایرانیکا شامل دو بخش است، ایران باستان

را علیرضا شاپورشهبازی و ایران پس از ساسانیان را التون دانیل (Elton Daniel) تدوین کرده‌اند. شهبازی در بخش اول، درباره سنت شفاهی، سابقه سالنامه‌نگاری، و تاریخ‌نوشته‌های

ایرانیان در دوران باستان مطالبی را یادآوری کرده و سپس آرای محققان را درباره تاریخ‌نگاری ایران باستان آورده است. در بخش دوم، دانیل تاریخ‌نگاری ایرانیان را ذیل عناوین دوره تکوین، خلافت اعظم، و دوره سلسله‌های محلی، آل بویه، سامانیان، غزنویان، و سلجوقیان، بررسی کرده است. اساس تقسیم‌بندی دانیل مشخص نیست، ضمن آن که به نظر می‌رسد معیار او در گزینش منابع اشمال آنها به وقایع تاریخ ایران بوده است.

از میان مقالات کنفرانس *Historiography & Iran in Comparative Perspective* (تاریخ‌نگاری و ایران در چشم‌انداز مقایسه‌ای)، که در سال ۲۰۰۹ در دانشگاه سنت اندروز برگزار شد،^{۴۹} معدود مقالاتی را می‌توان یافت که به تحقیق حاضر کمک برساند. از جمله یدالله شهابی‌زاده در مقاله «گرایش‌های تاریخ‌نگاری اخیر در ایران» با ارائه تحلیلی از تأثیر تاریخ‌نگاری‌های محلی ایران در همگرایی هویت ملی و محلی بیان می‌کند که در سال‌های اخیر نوشته‌های تاریخی بر تاریخ محلی و منطقه‌ای ایران تمرکز یافته است.

سلسله مقالاتی با عنوان «سیر تاریخ‌نگاری در ایران سده‌های میانی» گردآوری مطالبی در زمینه شکل‌گیری تاریخ‌نگاری ایرانی در سه بخش تاریخ‌های عمومی، تاریخ‌های ادواری، و تاریخ‌های محلی است.^{۵۰}

فاطمه رستمی در مقاله «سهم هویت‌های محلی در بنای هویت ملی» تاریخ‌نگاری محلی، جایگاه هویت در تواریخ محلی، و تأثیر تواریخ محلی در احیای هویت ملی را بررسی کرده است.^{۵۱} یان ریپکا در مقاله «تاریخ‌نگاری ایران در اواخر سلجوقیان و عصر مغول» سبک، محتوا، و جنبه‌های نگارشی و ادبی تاریخ بیهقی، تاریخ طبرستان، و *راحة الصدور* را بررسی کرده است.^{۵۲}

در مقاله «سیری در تاریخ‌نگاری محلی ایران» نوشته یعقوب آژند به ویژگی‌های تاریخ‌های محلی مختصراً پرداخته شده است.^{۵۳}

مقاله «سیر تاریخ‌نگاری محلی ایالت فارس»، اثر مشترک یوسف رحیم‌لو و علی سالاری شادی، *فارسنامه ابن بلخی* و *تاریخ فارسنامه ناصری* را، که با رویکردی ایالتی و نه شهری نگاشته شده‌اند، بررسی کرده است.^{۵۴}

در مقالات متعددی تاریخ‌نگاری یکی از مورخان ایرانی به صورت موردی بررسی شده است. از جمله مقاله «تاریخ یعقوبی»، نوشته محمدرضا ناجی، درباره موضوعات، روش، و مذهب یعقوبی و نسخه‌های تاریخ یعقوبی مختصراً اشاراتی کرده است.^{۵۵}

مقاله «فلسفه تاریخ یعقوبی»، درباره زندگی‌نامه، مذهب، و آثار یعقوبی و نیز شیوه نگارش، رویکرد فرهنگی، و ویژگی‌های تاریخ‌نگاری تاریخ یعقوبی مطالبی دارد.^{۵۶}

مقاله «مشکله فرهنگ در تاریخ‌نگاری یعقوبی»، نوشته حسن حضرتی، شامل مطالبی دربارهٔ مختصات تاریخ‌نگاری یعقوبی و مباحث فرهنگی او دربارهٔ ایران، هند، و یونان است.^{۵۷} علی سالاری شادی در مقاله «ابوحنیفه دینوری و کتاب اخبار الطوال»، به سبک و شیوه تألیف و موضوعات تاریخی مطرح‌شده در کتاب اشاره کرده و آنها را با دیگر منابع تاریخی تطبیق داده و کاستی‌های آن را مطرح کرده است.^{۵۸}

در مقاله‌ای با عنوان «روش مسعودی در ارتقایی- تدوین و نگارش اسناد و اطلاعات علمی- تاریخی»، نوشته حامد منتظری مقدم، روش نگارش، شیوه جمع‌آوری اطلاعات، روش داوری، و معیارهای ارزیابی مسعودی بررسی شده است.^{۵۹}

علی محمد ولوی در مقاله «ویژگی‌ها و روش تاریخ‌نگاری مسعودی»، ضمن ارائه اطلاعاتی دربارهٔ زندگی، نسب، آموزش‌های اسلامی، سفرها، آثار، و مذهب مسعودی به تحلیل تاریخ‌نگاری او پرداخته است.^{۶۰} روح‌الله بهرامی در مقاله «جایگاه نجوم، تقویم و گاه‌شماری در اندیشه تاریخ‌نگاری مسعودی»، به استفاده مسعودی از اطلاعات دقیق نجومی منجمان برای دریافت صحت و سقم اطلاعات و نقد آنها توجه کرده و به روش تطبیقی روایات و اطلاعات گاه‌شماری در تاریخ‌نگاری مسعودی اشاراتی کرده است.^{۶۱}

مقصودعلی صادقی در مقاله «روش تاریخ‌نگاری و اندیشه سیاسی ابوعلی مسکویه» به شیوه تاریخ‌نگاری و اندیشه‌های سیاسی و اداری مسکویه در تجارب الامم پرداخته است.^{۶۲}

مقاله «زین‌الخبار گردیزی، اثری که باید از او شناخته شود»، نوشته ابوالقاسم فروزانی، مطالب بسیار مختصری در معرفی کتاب، نسخه‌ها، و منابع مورد استفاده مورخ دارد.^{۶۳} مقاله «مجموع التواریخ والقصص و اعتبار آن»، نوشته رسول جعفریان، محتوا، منابع، و شیوه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری کتاب را بررسی کرده است. بیشتر مقاله به نقد منابع مورد استفاده مؤلف اختصاص یافته است.^{۶۴}

عباس میلانی در مقاله «تاریخ در تاریخ بی‌بیهقی» به ریشه‌های بافت روایی و ساخت زبانی داستان‌های بی‌بیهقی توجه کرده و با اشاره به ملاحظات سیاسی و اجتماعی بی‌بیهقی، نقد جالبی بر تاریخ‌نگاری و ادبیات بی‌بیهقی آورده است.^{۶۵}

برات ده مردی در مقاله «نگاهی به سبک تاریخ‌نگاری تاریخ سیستان» دربارهٔ اوضاع سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی سیستان، به‌خصوص خوارج، مطالبی آورده و عملکرد بازماندگان صفاری و اوضاع اقتصادی سیستان را نقد کرده است.^{۶۶}

مقاله «تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار و چند نکته دربارهٔ آن»، نوشته محمدکاظم رحمتی، شامل

مباحثی دربارهٔ منابع مورد استفادهٔ ابن‌اسفندیار و تصحیح یک عبارت از تاریخ طبرستان است.^{۶۷} با توجه به آنچه آمد، ملاحظه می‌شود که تحقیق جامع و مستقلی دربارهٔ تاریخ‌نگاری ایرانیان صورت نگرفته و از آنجاکه رویکرد ایرانیان به تاریخ می‌تواند گویای شاخصه‌هایی از میراث فرهنگی آنان و متفاوت با دیگر مسلمانان باشد، سببی شد بر نگارش تحقیقی مستقل دربارهٔ تاریخ‌نگاری ایرانیان.

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام می‌گیرد: در مرحلهٔ اول تاریخ‌نگاری ایرانیان مورد نظر است و در مرحلهٔ دوم تاریخ‌نگاری ایرانیان بررسی می‌شود و تأثیر حیات فکری جامعهٔ ایران در شش قرن نخست اسلامی در نوشته‌های تاریخی بازتابی خواهد شد.^{۶۸} از آنجاکه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری، دو مقولهٔ وابسته‌اند و تفکیک دقیق آنها ممکن نیست، نگارنده در تنظیم و تدوین مرحلهٔ نخست پژوهش به مباحث مرحلهٔ دوم نیز توجه داشته است؛ با این تفاوت که مباحث مرحلهٔ اول بیشتر به روش‌های مورخان در گردآوری و گزینش اخبار و چگونگی تدوین و تألیف آنها معطوف است. البته در بحث از تاریخ‌نگاری ورود به مباحث نظری تاریخ ناگزیر است.

مرحلهٔ اول پژوهشی شامل چهار فصل است. فصل اول به پیشینهٔ موضوع و به تأثیرپذیری تاریخ‌نگاری ایرانیان از تاریخ‌نگاری اسلام و تاریخ‌نگاری ایران باستان اختصاص دارد. فصل دوم با طرح پرسش‌هایی جایگاه تاریخ را نزد مورخان ایرانی بررسی می‌کند. فصل سوم به بررسی منابع خبری مورخان، چگونگی دستیابی به منابع، نقد و اعتبارسنجی منابع و راویان اخبار، و معیارهای سنجش اعتبار اخبار اختصاص دارد. در فصل چهارم، شاخصه‌های تاریخ‌نگاری در ایران و روش‌های تاریخ‌نگاری در چهار مقولهٔ چگونگی گردآوری داده‌های تاریخی، عرضهٔ آن، تدوین و تنظیم آن، و نقل و تألیف اخبار بررسی می‌شود. در بخش روش‌های نقل و تألیف اخبار، سه روش توصیفی، توصیفی-تعلیلی، و توصیفی-تحلیلی و نیز تاریخ‌نگاری تطبیقی و انتقادی، که روش‌های به کار گرفته شدهٔ مورخان ایرانی است، مورد نظر است.

در پژوهش حاضر، داده‌های تاریخی مستخرج از منابع اصلی، یعنی تاریخ‌نوشته‌های ایرانیان در شش قرن نخست اسلامی، است. منابع بررسی‌شده در سه گروه تاریخ‌های عمومی، ادواری، و محلی جای می‌گیرند. تاریخ‌های عمومی عبارتند از: تاریخ یعقوبی، اخبار الطوال، تاریخ طبری، تاریخنامهٔ طبری، التنبیه و الاشراف، مروج الذهب و معادن الجواهر، البدء و التاریخ، سنی ملوک الارض و الانبیاء، تجارب الامم، زین الاخبار، و مجمل التواریخ والقصص. تاریخ‌های ادواری شامل تاریخ عتبی، تاریخ بیهقی، تاریخ سلسلهٔ سلجوقی؛ زبدة النصرة و نخبهٔ العصره، سلجوقنامه، و راحة الصدور و آیهٔ السرور است. تاریخ‌های محلی نیز عبارتند از: تاریخ بخارا، تاریخ قم، فارسنامه، تاریخ بیهق، عقد العلی للموقف الاعلی، و تاریخ طبرستان.

پی نوشت

۱. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو، درباره تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
 ۲. برتولد اشپولر و دیگران، تاریخ‌نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۳. همیلتون گیب، «تطور تاریخ‌نگاری در اسلام»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۴. کلمان هوار، «ادبیات جغرافی‌نگاری و تاریخ‌نگاری در اسلام»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۵. عبدالعزیز الدوری، «مکتب تاریخ‌نگاری عراق در قرن سوم هجری»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۶. سامی الدهان، «پیدایش و گسترش تاریخ‌نگاری اسلامی در سوریه»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۷. شارل پلا، «پیدایش و گسترش تاریخ‌نگاری در اسپانیا»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۸. م. حلمی، «تاریخ‌نگاری اسلامی از قرن ششم تا هفتم»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۹. فلیکس تاپوئر، «مکتب تاریخ‌نگاری اسلامی در ایران»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۱۰. همیلتون گیب، «ادبیات شرح حال‌نویسی در اسلام»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۱۱. برنارد لوئیس، «بهره‌گیری از منابع غیر اسلامی در تاریخ‌نگاری»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۱۲. ریچارد فرای، «تاریخ‌نگاری مورخین شوروی درباره سرزمین‌های شرق اسلامی»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 ۱۳. آلبرت هورانی، «تاریخ‌نگاری نوین در اسلام»، ترجمه یعقوب آژند، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران: گستره، ۱۳۸۰.
 14. Julie Scott Meisami, *Persian Historiography*, Edinburgh: Edinburgh University Press, 1999.
- این کتاب را محمد دهقانی با عنوان تاریخ‌نگاری فارسی (سامانیان، غزنویان، سلجوقیان)، ترجمه و نشر ماهی در سال ۱۳۹۱ منتشر کرده است.
۱۵. صادق سجادی و هادی عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران: سمت، ۱۳۸۸.
 ۱۶. حسن حضرتی، دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
 ۱۷. فرانتس روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
 ۱۸. چیس اف رابینسن، تاریخ‌نگاری اسلامی، ترجمه مصطفی سیحانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹.
 ۱۹. عبدالعلیم عبدالرحمن خضر، مسلمانان و نگارش تاریخ: پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی، ترجمه صادق عبادی، تهران: سمت، ۱۳۸۹.
 ۲۰. صادق آئینه‌وند، علم تاریخ در اسلام، تهران: وزارت ارشاد لاسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات، ۱۳۶۴.

۲۱. صادق آئینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
۲۲. رابین جورج کالینگود، مفهوم کلی تاریخ، تهران: اختران، ۱۳۸۵.
۲۳. مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، قم: صدرا، ۱۳۶۹.
۲۴. ای. اچ کار، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کلامشاد، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱.
۲۵. حسین مفتخری، مبانی علم تاریخ، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
۲۶. خلیل سمید عبدالقادر، منهج البحث التاريخي، بغداد: جامعة بغداد، ۱۴۰۸/۱۹۸۸.
۲۷. سمیر عبده، صناعة تزييف التاريخ، دمشق: دارالكتاب العربي، ۱۹۸۹.
۲۸. حسن عثمان، منهج البحث التاريخي، القاهرة: دارالمعارف، ۱۳۹۶/۱۹۷۶.
۲۹. مصطفی شاکر، التاريخ العربي و المورخون: دراسة في تطور علم التاريخ و معرفة رجاله في الاسلام، بيروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۳.
۳۰. مهران اسماعیلی، «تكوين تاريخ‌نگاری اسلامی»، دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۳۱. عبدالله الفياض، التاريخ فكرة و منهجا، بغداد: مطبعة اسعد، ۱۳۹۲/۱۹۷۲.
۳۲. عبدالرحمن حسين التراوي، الطبری: السيرة و التاريخ، بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة، ۱۹۸۹.
۳۳. سليمان عبدالله المديد السويكت، منهج المسعودی في كتابة التاريخ، الرياض: جامعة الملك السعود، ۱۹۸۶.
۳۴. مایکل استنفورد، «مضامين عمده در فلسفه تاریخ»، ترجمه حسینعلی نوذری، تاریخ معاصر ایران، ش ۲۱-۲۲، ۱۳۸۱.
۳۵. ویلیام دایننگ، «حقیقت در تاریخ، مباحثی در فلسفه تاریخ»، ترجمه عزت‌الله فولادوند، بخارا، ش ۲۳، ۱۳۸۱.
۳۶. علی حقی، «آیا تاریخ می‌تواند علم باشد؟»، مطالعات تاریخی، ش ۱۳-۱۴، ۱۳۷۱.
۳۷. محمدقدیر تره‌کی، «آیا تاریخ علم است؟»، آریانا، ش ۱، ۱۳۲۱.
۳۸. همان، ص ۳۸.
۳۹. هانری هوسه، «آیا تاریخ علم است؟»، ترجمه محمدقدیر تره‌کی، آریانا، ش ۲۷، ۱۳۲۴.
۴۰. عبدالوهاب آزاد، «علم چیست؟ آیا تاریخ هم علم است؟»، پایگاه انجمن فرهنگی جوانان سنایی غزنوی، محصلان ولایت غزنی در هرات باستان.
۴۱. سید حسین فلاح‌زاده، «تنوع برون‌ی و دهرونی تاریخ‌نگاری اسلامی»، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ش ۱۸، ۱۳۷۸.
۴۲. حسینعلی نوذری، مرتضی نورائی، «نقش روایت و حدیث در تاریخ‌نگاری مسلمانان»، دوران، ماهنامه الکترونیکی تاریخ معاصر ایران، ش ۳۸، ۱۳۹۱.
۴۳. صادق سجادی، «تاریخ‌نگاری»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، صص ۳۰۲-۳۲۲.
۴۴. حسن حسین‌زاده شانه‌چی، «نقد تاریخی در آثار تاریخ‌نگاران مسلمان»، تاریخ در آینه پژوهش، س ۲، ش ۸، ۱۳۸۴.
۴۵. سیدجمال موسوی، «تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی بر تاریخ‌نگاری اسلامی»، دانشگاه انقلاب، ش ۱۱۲، ۱۳۷۸.
۴۶. کلیفورد ادموند باسورث، «سهم ایرانیان در تاریخ‌نگاری اسلامی پیش از حمله مغول»، ترجمه فریدون بدرای، حضور ایرانیان در جهان اسلام، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.